



ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم

وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله الطيّبين الطاهرين

خطبهٔ مسجد

قطعاتی گزیده از خطابه‌ی بیدارگرانه و دادخواهانه‌ی

حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام

در مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله!

مؤسسه آموزشی و پژوهشی بیان معرفت

عنوان: **خطبه مسجد** (قطعاتی گزیده از خطابه‌ی بیدادگرانه و دادخواهانه‌ی حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام در مسجد پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم).

پدیدآورنده: مؤلف، به سفارش: مؤسسه آموزشی و پژوهشی بیان معرفت؛
حروفچینی و صفحه‌آرایی: هادی اللهیان .

ناشر: انتشارات خاتم‌التبیین علیهم السلام .

نوبت و سال چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد .

قیمت: ۸۰۰۰ تومان .

مشهد مقدس، خیابان حضرت امام رضا علیه السلام، کوچه‌ی دبیرستان
فردوسی (کوچه‌ی شماره ۱۱)، پلاک ۱۰، طبقه‌ی اول،
مؤسسه آموزشی و پژوهشی بیان معرفت
تلفن: ۰۵۱- ۳۸۵۱۸۶۵۵

فهرست

۷	پیش‌گفتار در معرفتی خطبه‌ی مسجد
۱۵	اسناد و منابع خطبه
۱۹	خطبه‌ی مسجد در کلام دانشوران
۲۳	کلام ۱: ستایش خداوند متعال
۲۴	کلام ۲: وصف آفریدگار
۲۵	کلام ۳: آفرینش و پیدایش هستی
۲۶	کلام ۴: رسالت پیامبر اکرم ﷺ
۲۷	کلام ۵: ارمغان هدایت محمدی ﷺ
۲۸	کلام ۶: پیشوا و پیمان!
۲۹	کلام ۷: وصف کتاب خدا
۳۰	کلام ۸: چرایی ایمان!
۳۱	کلام ۹: راز نماز و زکات!
۳۲	کلام ۱۰: امامت اهل‌البیت <small>علیهم‌السلام</small> و اطاعت از ایشان
۳۳	کلام ۱۱: ثمره‌ی نیکی به پدر و مادر و احسان به خویشان
۳۴	کلام ۱۲: هشدارها و پرهیزها!
۳۵	کلام ۱۳: چرایی حرمت شرک
۳۶	کلام ۱۴: بدانید که من فاطمه‌ام!

- کلام ۱۵: پیامبر مهرورز و مهربان ﷺ ۳۷
- کلام ۱۶: ره آورد رسالت ۱ ۳۸
- کلام ۱۷: ره آورد رسالت ۲ ۳۹
- کلام ۱۸: ره آورد رسالت ۳ ۴۰
- کلام ۱۹: امام امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فاتح عرصه های نبرد ۴۱
- کلام ۲۰: وصف امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ ۴۲
- کلام ۲۱: رحلت پیامبر اکرم ﷺ و ظهور خط نفاق! ۴۳
- کلام ۲۲: آغاز انحراف امت ۴۴
- کلام ۲۳: شتاب سوی فتنه! ۴۵
- کلام ۲۴: أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ؟! ۴۶
- کلام ۲۵: ای زاده ی ابوقحافه! ۴۷
- کلام ۲۶: چگونه کتاب خدا را وا نهاده اید؟! ۴۸
- کلام ۲۷: آیا خود را از رسول خدا ﷺ ... داناتر می دانید؟! ۴۹
- کلام ۲۸: شتر خلافت، ارزانی ات باد! ۵۰
- کلام ۲۹: بانگ بیدار باش! ۵۱
- کلام ۳۰: یاوران دین! شما را چه شده است؟! ۵۲
- کلام ۳۱: آسفا بر این احوال! ۵۳
- کلام ۳۲: رفاه طلبی، آفت بزرگ! ۵۴
- کلام ۳۳: از بیان حقیقت، ناگزیر بوده ام؛ ۵۵
- کلام ۳۴: این مرکب راهوار نیست! ۵۶
- کلام ۳۵: چشم انتظار فرجام کار خود باشید! ۵۷
- کلام ۳۶: عذر بدتر از گناه! ۵۸
- کلام ۳۷: مطابقت گفتار و رفتار پیامبر اکرم ﷺ با آیات کریمه ی قرآن ۶۰
- کلام ۳۸: زشتی ها را زیبا دیده اید! ۶۱
- کلام ۳۹: آیا در قرآن، تدبیر نمی کنند؟! ۶۲
- کلام ۴۰: زنگار دل، زمینه ساز غفلت! ۶۳
- کلام ۴۱: فرجام تیره! ۶۴

پیش‌گفتار در معرفی خطبه‌ی مسجد^۱

خطبه مسجد (یا خطبه‌ی فدکیه) یکی از غنی‌ترین موارث علمی و فرهنگی تاریخ اسلام و تشیع به شمار می‌رود که از وجود مطهر بانوی اسلام حضرت صدیقه‌ی کبری فاطمه زهرا علیها السلام به یادگار مانده است.

این خطبه‌ی شریفه با این‌که از نظر فصاحت و بلاغت معنا، در نقطه‌ی اوج قرار دارد، مع‌الاسف سخنی است ناشناخته و مه‌جور، و کلامی است مظلوم - به سان مظلومیّت انشاء کننده آن! - چندان که می‌توان گفت حقایق نهفته در

۱. حضرت صدیقه‌ی طاهره فاطمه علیها السلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو خطبه ایراد فرموده‌اند که خطبه‌ی نخست در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله در جمع مهاجران و انصار به تفصیل، و خطبه‌ی دوم هنگام دیدار و عیادت گروهی از زنان مدینه از آن حضرت در منزل آن بانو به اختصار بیان گردیده است. در متون روایی و تاریخی، خطابه‌ی اوّل به خطبه‌ی مسجد، و دومی به خطبه‌ی منزل شهرت دارد. همچنین به سبب آن‌که در فقراتی از خطبه‌ی مسجد به موضوع فدک پرداخته شده، و آن حضرت با حاکم وقت نسبت به غصب فدک از سوی حاکمیّت احتجاج کرده‌اند، این خطبه به خطابه‌ی فدکیّه نیز مشهور است.

این مخزن الاسرار فاطمی گنجینه‌ای است ناگشوده، و مفاهیم متعالی و معارف نورانی این مصحف دانش و بینش - آن‌گونه که انتظار می‌رفته - مورد واکاوی و اِمعان نظر دانشوران و اصحاب اندیشه قرار نگرفته است.

مضامین بلند این کلام الهی، عرصه‌های مختلف اصول اعتقادی و مبانی معرفتی را درنور دیده، و حقایق این کتاب عقیده و عمل، بر منشورهای اخلاقی و مسؤولیت‌ها و تکالیف اجتماعی و نیز ضرورت‌ها و چرایی تشریح احکام و عبادات فردی شامل، و بر علل و عوامل انحراف امت اسلام از مسیر حق، و آثار و عوارض زیانبار این کژروی، ناظر و شاهد است.

گوینده‌ی آزاده‌ی این خطبه، در حالی که هنوز چند روزی از رحلت اندوهبار پدر بزرگوارش سپری نگشته، و داغ و درد این فقدان عظیم بر جسم و روح وی سنگینی می‌کرده است، اما از رهگذر احساس تکلیف، و برای نخستین و آخرین بار، در جمع معاشران دیروز پدر حضور یافته، زندگی پست و دون‌پایه‌ی گذشته‌ی آنان در عصر جاهلیت را در منظرشان ترسیم نموده، از برکات و آثار مبارک رسالت باب ارجمندش (ﷺ) سخن گفته، خدمات بی‌نظیر همسرش امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) را نسبت به رسول خدا (ﷺ) و امت اسلام برشمرده، گزینش جانشینی غیر از کسی که پیامبر اکرم (ﷺ) تعیین نموده و اقبال مردم به وی، و اعراض و ادبارشان نسبت به زعیم لایق و قائد حق را به صراحت و در کمال شجاعت نقض و نقد فرموده، و در سراسر خطابه‌ی خویش، متناسب با آنچه که پیشتر بیان کرده، یا آنچه که در پی آمدِ گفتار قصد ابراز آن را داشته، به آیات کریمه‌ی قرآن استناد و

استدلال ورزیده، و پیام وحی را پشتوانه‌ی کلام متین خود نهاده، و سرانجام با ضرب آهنگ کلمات هشیاری بخش و بیدارگر خویش، زنگ‌های خطر را نسبت به آینده تیره‌ی امت اسلام به صدا درآورده است!

توجه به ظواهر الفاظ، و تدبّر در حقایق مفاهیم و معانی خطبه‌ی فدکیّه، گویای آن است که بزرگ بانوی اسلام حضرت زهراء علیها السلام در حساس‌ترین شرایط سیاسی - که اجتماع مسلمانان، نخستین روزهای فقدان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تجربه می‌کرد، و میراث معنوی آن رسول امین یعنی کتاب خدا و عترت طاهره‌ی او در معرض تناول قرار گرفته بود - نیک دریافته بود که باید بپا خیزد، به مسجد آید و با بهره‌گیری از سلاح سخن، انحراف پدید آمده در مهم‌ترین رکن اسلام^۱ - رکن زعامت و ولایت - را نقد کند و نظام حاکمیت وقت را به چالش کشد، و دانسته بود که اگر چنین نکند، حصار غربتی که دست ستم برگرد خانه‌ی امید - خانه‌ی امیر علیه السلام - کشیده است شکسته نمی‌شود، و پیشوای اسلام برای همیشه غریب و تنها می‌ماند!

۱. قال الإمام الباقر عليه السلام:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ: إِسْلَامَ بَرِيْنَجٍ پايه، بنیان نهاد شده است: بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت؛ و آن‌گونه که به رکن ولایت فراخوانده شده، به هیچ‌یک از ارکان دیگر فراخوانی نشده است.»

این روایت با اندکی تفاوت و به‌ویژه افزونی الفاظ، در جوامع مهمّ روایی ذکر گردیده است؛ و از جمله بنگرید به: الکافی، باب دعائم الإسلام؛ وسائل الشیعة، باب وجوب العبادات الخمس؛ بحار الأنوار، باب دعائم الإسلام والإيمان؛ و...

آری، این چنین بود که آن پرورده‌ی دامان وحی، در ایراد خطابه‌ی خویش، پس از آغاز کلام با ستایش و ثنای پروردگار که لازمه و نشان معرفت و عبودیت او بود، و از پس ابلاغ تحیت و اکرام نسبت به مقام و منزلت پدر بزرگوارش که گویای کمال ادب و حُسن تربیت او بود، بی‌درنگ از حضور «زَعِيم حَقِّ» در میان امت، و «مِثاق حَقِّ»^۱ که پیشتر خداوند از آحاد مردم نسبت به آن التزام گرفته بود سخن گفته، و به منظور شفاف‌سازی هرچه تمامتر و رفع هرگونه تردید و ابهام، از عترت پیامبر ﷺ به عنوان بازماندگان و یادگاران نبوی یاد فرموده که خداوند، آنان را خلافت و جانشینی بخشیده است.^۲

دخت پیامبر ﷺ سپس با رویکردی تحلیل‌گرایانه ضمن گشایش فصلی نوین در کلام، با بیان حکمت‌ها و مصالح تشریح فرائض و واجبات، و تحلیل دلایل وضع اهم احکام شرع، باز به موضوع شایستگی الهی عترت طاهره ﷺ برای تصدی منصب امامت امت تصریح فرموده، و با ذکر عبارات فاخر: «وَ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ اِمَامَتَنَا اَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ»^۳ آثار و برکات بی‌بدیل تمسک امت به جبل‌المتین ولایت را برشمرده است. آن‌گاه به منظور اتمام حجت و از پس معرفی

۱. زَعِيمٌ حَقِّ لَهٗ فَيْكُمُ وَ عَهْدٌ قَدَمَهُ اِلَيْكُم؛ خطبه‌ی فدکیه.

۲. در برخی از منابعی که خطبه‌ی فدکیه را یاد کرده‌اند، قبل از جمله‌ی: «وَ بَقِيَّةُ اِسْتِخْلَافِهَا عَلَيْكُم» ضمیر «نحن» افزوده شده و آمده است: «وَ نَحْنُ بَقِيَّةُ اِسْتِخْلَافِهَا عَلَيْكُم» که در این صورت، معنای فقره‌ی مذکور چنین می‌شود: «و ما میم همان بازمانده‌ای که (خداوند) آنان را به خلافت و جانشینی خود بر شما گمارده است».

۳. خطابه‌ی فدکیه.

خود به عنوان دختر پیامبر ﷺ و معرّفی همسر خویش به عنوان برادر رسول خدا ﷺ با یاد کردی گزارش گونه، از انحطاط و ابتدال دیروز امت در عهد جاهلی شمه‌ای گفته، و به رسالت عظیم پدرش و مجاهدت خطیر و فراگیر او با ریشه‌ها و شاخسار شجره‌ی باطل، و ایثار همه جانبه‌ی همسرش در راه تحقّق اهداف رسالت و اعتلای کلمه‌ی حقّ و در نتیجه تبدیل ذلّت گذشته‌ی امت و تغییر شرایط پرداخته، سپس با آگاهی از «وقوع بیعت شوم» و احاطه و اشراف به «رخدادهای پیدا و پنهان» و اطلاع از پاسخ مثبت مردم به فراخوان هاتف شیطان، تازیانه‌ی سرزنش و ملامت، و ضربات تنبّه و بیداری را بروح آنان نواخته است! کلام بانوی بزرگ اسلام در این فصل از سخن، چنان انگیزاننده، و دم و آن سان مسیحایی است که نه فقط وجدان‌های خفته بلکه روان‌های مرده را نیز به جنبش و پویایی وا می‌دارد. عبارات کوتاه، آهنگین و شورآفرین «هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ وَالْكَفَرُ رَحِيْبٌ وَالْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ وَالرَّسُوْلُ لَمَّا يَقْبَرُ!» که نه از زبان بلکه از ژرفای قلب مطهر یادگار پیامبر ﷺ تراویده، تا پنهان‌ترین لایه‌های روح مخاطب تأثیر می‌گذارد، و این همه بدان امید است که شاید آنان به خود آیند، پیمانی را که دیرگاهی از انعقاد آن سپری نشده بود به یاد آورند، نماد استوار حق و شاخص آشکار آن را که میان او و حق جز یگانگی و همراهی پیوندی برقرار نیست^۱ - یعنی پیشوای سپیدرویان امام امیرالمؤمنین علی عليه السلام را - دیگر بار بشناسند و از پیمایش بیراهه‌ی انحراف در همین آغاز پرهیزند.

۱. الهام از روایت پیامبر اکرم ﷺ که فرمود: الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَ عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ [شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۵۵۹].

ملاحظه می‌شود که جدی‌ترین اهتمام حضرت فاطمه صدیقه علیها السلام در ایراد خطابه‌ی دادخواهانه‌ی خویش، همانا پیشگیری از گذر باد سموم بر بوستانی است که آنک در غیبت باغبان می‌رفت تا به خزانی زودرس بنشیند. بانوی اسلام در انشای این خطابه بر آن بوده است تا پیش از آن که درخت امید از بن عقیم شود و از رویش و بالندگی باز ماند، و فرصت طلبان با سوء استفاده از فرصت رحلت پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله همه‌ی میراث آن سفیر واپسین و رسول آخرین را یک جا به تاراج برند، بار دیگر وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله را به امت او - اعم از مهاجران و انصار و به ویژه انصار - یادآوری کند؛ وصیتی که پیام‌آور رحمت از سپیده دم بعثت تا بستر احتضار و رحلت، همواره آن را بیان و تأکید کرده بود، و جوهر آن جز وصایت، ولایت و امامت امیرمؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام نبود؛ وصیتی که در آسمان غدیر خم در «شرف شمس حقیقت» تجلی یافت، و رازگاه اِکمال دین و اتمام نعمت گردید.

آری، دخت پیامبر صلی الله علیه و آله آن گاه که نگرست امت بر خلاف سفارش حضرت رسول امین صلی الله علیه و آله به راهی جز مسیر تعیین شده‌ی او رفته، و با پیمان شکنی و نقض عهد غدیر به بهانه‌ی بیم از وقوع در فتنه، مرکب خلافت را به آبشخور مورد نظر خود رانده‌اند! در مقام نقد و نکوهش این رویداد نامبارک، به آیه‌ای از آیات کریمه‌ی قرآن، مرتبط با غزوه‌ی تبوک تمسک جست؛ آیه‌ای که هنوز در گوش‌ها طنین داشت، و از لوح خاطره‌ها محو نشده بود؛ گویی دوباره تبوک بود، و فرمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر تاختن به خصم، و تمرد از این فرمان از سوی شخص یا

اشخاصی به بهانه‌ی پرهیز از ابتلای به فتنه! و اخبار پیک وحی که: «أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ!»^۱.

* * *

در تحقیق و بررسی خطبه‌ی شریفه‌ی مسجد، نکات مهم و ویژه‌ای قابل دقت و توجه جدی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) متن خطبه:

خطبه‌ی شریفه‌ی مسجد حدوداً در پنجاه موضوع مهم و اساسی - اعم از موضوعات اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و ... - بحث کرده و مشتمل بر بیش از سیصد و بیست فقره و فراز است که هر یک از فرازهای آن، شرح و تفصیل خاص خود را می‌طلبد.

ب) زمان ایراد خطبه:

پیش‌ترین گفته شد که این خطبه در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ اسلام یعنی در نخستین روزهای پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ ایراد شده است؛ روزهایی که جامعه اسلامی و امت مسلمان در تلاطم رحلت پیشوای بزرگ و بی‌نظیر خود به سر می‌برد و فقدان این شخصیت آسمانی، سایه‌ای سنگین از اندوه، هراس و اضطراب را بر جامعه گسترده! و نظام سلطه‌ی حاکم بر جامعه، فدک را که نحله و بخشش پیامبر اکرم ﷺ به حضرت صدیق‌ه‌ی کبری ﷺ بود، از دخت پیامبر ﷺ ربوده، و کارگزاران آن حضرت را از باغستان فدک اخراج کرده بود؛

۱. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۴۹.

ج) مکان ایراد خطبه :

خطبه‌ی شریفه‌ی فدکیه در مسجد پیامبر اکرم ﷺ انشاء شده است، یعنی عالی ترین و مهم ترین مکان پس از مسجدالحرام! امت مسلمان، با این مکان آشنا بود. بیش از ده سال رسول گرامی اسلام ﷺ در همین مکان مقدس حضور می یافته و آیات آسمانی و نورانی قرآن را - که بر آن حضرت وحی می شده - برای امت تلاوت و بازخوانی می فرمود، و گزافه نیست اگر بگوییم این مسجد، قرارگاه و مرکز حاکمیت و فرمانروایی پیامبر مکرم اسلام بوده است. اینک دخت همان پیامبر ﷺ و یگانه یادگار و بازمانده او با حضور در این مکان، برای نخستین و آخرین نوبت مهم ترین مسائل و مطالبی را که امت اسلام به شنیدن و دریافتن آن‌ها به شدت نیازمند می بود، در قالب خطابه‌ای جامع، برای مخاطبان و حاضران بیان فرموده است.

د) مخاطبان :

از متن خطبه‌ی شریفه به صراحت استفاده می شود که هنگام ایراد خطبه، نخستین مدعی خلافت، همراه با گروهی از ملازمان و حامیان خود در مسجد حضور داشته، و سران و بزرگان مهاجران و به ویژه انصار نیز حاضر بوده‌اند. این جمع، اکثراً همان کسانی بوده‌اند که خلافت و جانشینی پیامبر اکرم ﷺ را از مسیری که آن رسول مکرم ﷺ تعیین کرده بود تغییر داده و به بی راهه برده بودند؛ بی راهه‌ای که نهایتاً محوتوحید و رسالت را در پی داشت و حضرت صدیق‌ه‌ی کبری ؓ با ایراد خطبه‌ی شریفه، بسا در پی آن بود که اگر هنوز وجدانی وجود دارد که خواهان بیداری است، شاید به خود آید و هشیار گردد!

ه) شرائط جسمانی دخت پیامبر ﷺ :

این سرفصل، چندان دردناک و تأثرآور است که زبان و بیان قادر به تقریر آن نیست! آن گونه که از متن تاریخ بر می آید، حضرت زهراى مرضیه علیها السلام با بدنی رنجور، پهلویی شکسته، سینه‌ای مجروح و بازویی ورم کرده، و چه بسا با قدی خمیده که ناشی از صدمه و ضربه‌ی مهاجمان بر آن بانو بوده است - در حالی که گروهی از بانوان هاشمی، آن گرامی را همراهی می کرده‌اند - به مسجد آمده و به ایراد سخن پرداخته است و این شرائط، گویای اهمّیتی است که حضرتش برای سخنان خود قائل بوده و خویشان را موظف می دیده است که با وجود همه ناگواری‌های جسمانی، در پایگاه پدرارجمندش صلوات الله علیه حضور یابد و خطابه بخواند!

* * *

اسناد و منابع خطبه

شماری از دانشمندان، محدّثان، مورّخان و راویان نامدار جهان اسلام در طول بیش از چهارده قرن که از انشای خطابه‌ی غزای فدک سپری گشته است، متن کامل این خطبه را در آثار تألیفی خویش آورده‌اند.

یکی از محققان معاصر که در این موضوع پژوهش کرده و حاصل تحقیق و تتبع خود را در کتابی با عنوان «خطب سیدة النساء فاطمة الزهراء علیها السلام مصادرهما و أسانیدها»^۲ ارائه نموده، در خصوص سند خطبه‌ی فدکیّه گفته است:

«متن این خطبه را گروهی بسیار از محدّثان و مورّخان در کتاب‌های

۱. آن چه در بندهای الف تا هـ صفحات پیشین آورده شد، پردازش سخنان یکی از اندیشمندان است که در خطبه‌ی شریفه تدبیر نموده و برخی از ابعاد آن را باز گفته است.

۲. محمودی، محمّدجواد، خطب سیدة النساء فاطمة الزهراء علیها السلام مصادرهما و أسانیدها، نشر حبیب، قم ۱۳۷۸.

خویش آورده، و حتی برخی نظیر ابوالفرج اصفهانی^۱ (م. ۳۵۶ق) و احمد بن عبدالواحد بن عبدون^۲ (م. ۴۲۳ق) تألیفی مستقل را بدان اختصاص داده‌اند، و گرچه در نقل بعضی از عبارات اختلافاتی وجود دارد، اما تقریباً همه‌ی کسانی که آن را به صورت مفصل گزارش نموده، این مقدمه را نیز ذکر کرده‌اند که پس از تصمیم ابوبکر مبنی بر مصادره‌ی فدک - که پیامبر اکرم ﷺ آن را به حضرت زهرا علیها السلام بخشیده بود، و آن گرامی از زمان پدر بزرگوارش، در آن تصرف مالکانه می‌نمود - دخت پیامبر صلی الله علیه و آله با پوشش کامل به همراه جمعی از بانوان بنی‌هاشم به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، و در جمع مهاجران و انصار، این خطبه‌ی غزا را ایراد فرمود.

زیبایی کلمات و جمله‌های این خطبه، صحت و انتساب آن به خاندان وحی و نبوت را به اثبات می‌رساند، چه آن که بیان این مضامین بلند در قالب الفاظ و عبارات‌های گویا و فصیح - آن هم به صورت خطبه‌ای مفصل - جز از خاندان رسالت بر نمی‌آید، اما در عین حال جستجو و بررسی در متون و منابع موجود که نمونه‌ای از میراث مکتوب پیشینیان است، هرگونه تردید در صدور این خطبه‌ی شریفه از یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه علیها السلام را زایل می‌سازد.

خطبه‌ی فدکیه را گروه کثیری از محدثان روایت نموده، و عده‌ای از مورخان نیز آن را در کتاب‌های خویش آورده، جمعی به صورت کامل و برخی به شکل گزیده نقل کرده‌اند. همچنین اهل لغت به مناسبت

۱. الفهرست، ص ۵۴۴، شماره ۸۹۹.

۲. رجال نجاشی، ص ۸۷، شماره ۲۱۱.

پردازش معنای برخی لغات مشکل که نیاز به توضیح داشته است، به شرح شماری از کلمات این خطبه‌ی شریفه در آثار خویش پرداخته‌اند. ضمناً سلسله‌ی سند راویانی که خطبه را به صورت "مسند" ذکر کرده‌اند، به حضرت امام باقرالعلوم محمد بن علی علیه السلام، حضرت امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، حضرت زینب کبری علیها السلام، جناب زید بن علی بن الحسین علیهما السلام و نیز به یکی از نامبردگان ذیل منتهی می‌شود: ۱- عایشه. ۲- عامر بن شراحیل شعبی. ۳- عبدالله بن حسن. ۴- عبدالله بن عباس. ۵- عبدالله بن محمد معروف به ابن عایشه. ۶- عوانة بن حکم^۱.

اینک به منظور مزید اطلاع خواننده ارجمنند، اسامی تعدادی از دانشورانی که متن خطبه‌ی فدکیه را در آثار خود آورده‌اند، به ترتیب تاریخ وفاتشان متعاقباً یاد می‌کنیم:

۱. احمد بن ابی طاهر ابن طیفور (م. ۲۸۰ق) در کتاب *بلاغات النساء*.
۲. ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری (م. ۳۲۳ق) در کتاب *السقیفة*.
۳. ابوالطیب محمد بن إسحاق بن یحیی الوشاء (م. ۳۲۵ق) در کتاب *الفاضل فی صفة الأدب الكامل*.
۴. قاضی نعمان بن محمد تمیمی مغربی (م. ۳۶۳ق) در کتاب *شرح الأخبار*.
۵. ابوجعفر محمد بن علی بن حسین معروف به شیخ صدوق (م. ۳۸۱ق) در کتاب *علل الشرایع*.

۱. مقاله‌ی «اسناد و مصادر خطبه‌های حضرت فاطمه علیها السلام» به قلم: محمد جواد محمودی. این مقاله به کنگره‌ی میراث علمی و معنوی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ارائه شده است، و در مجموعه‌ی مقالات برگزیده‌ی کنگره‌ی مزبور تحت عنوان «شکوه حقیقت» منتشر خواهد شد.

۶. ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه (م. ۴۱۰ق) در کتاب مناقب.
۷. محمّد بن محمّد بن نعمان معروف به شیخ مفید (م. ۴۱۳ق) در کتاب أمالی.
۸. ابوسعّد منصور بن حسین آبی (م. ۴۲۱ق) در کتاب نشر الدرر.
۹. سیّد مرتضی علیّ بن حسین موسوی علم الهدی (م. ۴۳۶ق) در کتاب الشافی فی الإمامة.
۱۰. ابوجعفر محمّد بن حسن معروف به شیخ طوسی (م. ۴۶۰ق) در کتاب تلخیص الشافی.
۱۱. محمّد بن جریر بن رستم طبری (از عالمان سده ی پنجم هجری) در کتاب دلائل الإمامة.
۱۲. محمد بن حسن بن محمد بن حمدون (م. ۵۶۲ق) در کتاب التذکرة الحمدونیة.
۱۳. ابن شهر آشوب محمّد بن علی (م. ۵۸۸ق) در کتاب مناقب آل ابی طالب.
۱۴. ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی (از عالمان سده ششم) در کتاب الإحتجاج.
۱۵. مجدالدین مبارک بن محمّد معروف به ابن اثیر (م. ۶۰۶ق) در کتاب منال الطالب فی شرح طوال الغرائب.
۱۶. یوسف بن فرغلی معروف به سبط ابن جوزی (م. ۶۵۴ق) در کتاب تذکرة الخواص.
۱۷. ابومحمّد المنصور بالله الحسن بن محمد بن احمد الیمنی (م. ۶۷۰ق) در کتاب أنوار الیقین فی إمامة أميرالمؤمنین.
۱۸. کمال الدین میثم بن علیّ بن میثم (م. ۶۷۹ق) در کتاب شرح نهج البلاغة.

۱۹. جمال الدّین یوسف بن حاتم شامی (از دانشمندان قرن هفتم) در کتاب الدّرّ التّظیم فی مناقب الأئمة اللّهامیم.

۲۰. محمّد بن احمد باعون دمشقی شافعی (م. ۸۷۱ق) در کتاب جواهر المطالب فی مناقب الإمام علیّ بن أبی طالب.

۲۱. محدّث بحرانی شیخ یوسف بن علی (م. ۱۱۸۶ق) در کتاب الدّرر التّجفیة.

* * *

خطبه‌ی مسجد در کلام دانشوران

دانشوران بلند پایه‌ی عالم اسلام، در آثار خود، خطبه‌ی فدکیّه را به عنوان یکی از نقاط اوج در تاریخ حدیث و خطابه ستوده، و سخنان فاخر و بلیغی را در رفعت جایگاه این کلام جاودانه گفته‌اند که برخی از زبده‌ترین آنها را زیور این اوراق قرار می‌دهیم:

۱. علیّ بن عیسی اربلی در کتاب کشف الغمّة:

خطبة فاطمه علیها السلام من محاسن الخطب وبدائعها، علیها مسحة من نور النبوة، وفيها عبقة من أرح الرّسالة، وقد أوردها المؤلف والمخالف؛ خطبه‌ی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از نیکوترین و شگفت‌ترین خطبه‌هاست که سایه‌ای از نور نبوت بر آن گسترده و رایحه‌ای از شمیم رسالت در آن نهفته است، و موافق و مخالف (شیعه و غیر شیعه) آن را در آثار خود آورده‌اند.

۲. علامه‌ی مجلسی رحمته الله در کتاب شریف بحار الأنوار:

هی الخطبة الغزاة الساطعة عن سيّدة النساء صلوات الله علیها التي تحيّر من العجب منها والإعجاب بها أحلام الفصحاء والبلغاء؛^۲

۱. کشف الغمّة، ج ۱، ص ۴۷۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۲۴۷.

آن، همان خطبه‌ی بلند و رسایی است که از حضرت سیده‌النساء - درود و تحیت خداوند بر او - صادر شده، و عقول فصیحان و بلیغان، از آن به شگفتی و اعجاب آمده است!

۳. مؤلف کتاب الدرة البيضاء:

هی خطبه عجزت عن إنشاء مثلها أو ما يدانيها ألسن الأدباء و البلغاء، و عن إدراك كنهها و الوصول إلى دقائقها عقول الحكماء و ألباب الأركياء، كيف لا و قد فرغت من لسان العصمة الإلهية^۱ آن خطبه‌ای است که زبان ادیبان و بلیغان از ایراد کلامی مانند آن یا نزدیک به آن ناتوان، و عقول اندیشمندان و خرد خردورزان از فهم ژرفای آن و نیل به دقائق کلام، قاصر است، و چه سان این گونه نباشد؟! در حالی که از لسان عصمت الهیه، شرف صدور یافته است!

۴. مولی محمد علی بن احمد انصاری صاحب کتاب ارجمند اللعة البيضاء:

خطبة في نهاية الفصاحة و البلاغة من حيث عذوبة ألفاظها الكافية، و غرابة مضامينها الشافية، و جزالة معانيها الوافية... و هی دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوق، و نسبتها إلى سائر الكلمات الفصيحة نسبة الكواكب المنيرة الفلكية إلى الحجارة المظلمة الأرضية^۲.

آن خطبه‌ای است که از نظر حلاوت و اژگان و شگفتی محتوا و استواری مفاهیم، در اوج گویایی و رسایی است؛ خطبه‌ای با الفاظی در خور، و مضامینی واضح و معانی جامع که فروتر از کلام خالق و برتر از سخن مخلوق است، و نسبت آن با دیگر کلمات فصیح، چونان نسبت ستارگان فرورنده‌ی آسمانی است با سنگ‌های کدر و تیره‌ی زمینی!

۱. الدرة البيضاء، چاپ سنگی، ص ۴.

۲. اللعة البيضاء، چاپ جدید، ص ۲۱.

۵. مرحوم علامه سید شرف‌الدین عاملی در کتاب **المراجعات**:

و للزَّهراء عليهن السلام حجج بالغة و خطبتها في ذلك سائرتان، كان
 أهل البيت عليهم السلام يلزمون أولادهم بحفظهما كما يلزمونهم بحفظ القرآن: ^۱
 و برای حضرت زهرا - سلام خداوند بر او - برهان‌هایی است رسا و نیز دو
 خطبه‌ی رایج و مشتمل بر آن (احتجاجات) که خاندان عصمت و
 طهارت عليهم السلام همان گونه که فرزندان خود را به حفظ قرآن و ادار می‌ساخته،
 همواره ایشان را به حفظ این دو خطبه نیز وای داشته‌اند.

۶. دانشمند فرزانه مرحوم سید کاظم قزوینی در کتاب **ارزشمند فاطمة الزَّهراء عليها السلام**
من المهد إلى اللحد:

هذه الخطبة معجزة خالدة للسيدة فاطمة الزَّهراء عليها السلام و آية باهرة تدل
 على جانب عظيم من الثقافة الدينية التي كانت تتمتع بها فاطمة
 الزَّهراء عليها السلام فيها الفصاحة و البلاغة و حلاوة البيان و عذوبة المنطق و قوّة
 الحجّة و متانة الدليل...^۲

این خطبه، معجزه‌ی جاودانه‌ی حضرت سیده‌التساء فاطمه زهرا عليها السلام
 و آیت درخشنده‌ای است که بر بُعدی سترگ از بینش و فرهنگ دینی
 دلالت دارد که بانوی اسلام فاطمه عليها السلام از آن برخوردار بوده، و در آن
 فصاحت، بلاغت، شیرینی بیان، گواری و رسایی منطق، قدرت استدلال
 و استواری برهان به هم آمیخته است.

۷. سید محسن امین عاملی در کتاب **أعيان الشيعة**:

إنّ فاطمة عليها السلام لما منعت فداً خطبت خطبة طويلة عظيمة جليّة،

۱. المراجعات، ص ۳۰۲، چاپ نجف ۱۳۷۷.

۲. فاطمة الزَّهراء عليها السلام من المهد إلى اللحد، ص ۳۵۲.

غایة فی الفصاحة و البلاغة، و المتانة و قوّة الحجّة^۱؛
 فاطمه علیها السلام آن گاه که فدک از او بازداشته شد، خطبه‌ای بلند، مهم و
 شکوهمند را ایراد کرد که در اوج فصاحت، بلاغت، استواری و قدرت
 استدلال است.

* * *

خواننده‌ی ارجمند!

مجموعه‌ای که اینک در دسترس شماست، به چهل و یک فراز از خطبه‌ی
 شریفه‌ی فدکیّه زینت یافته است. در گزینش فقرات خطبه، کوشش بر آن بوده تا
 خواننده از مجموع آن چه که گزیده شده است، پیام‌های اصلی کلام فاطمی علیها السلام
 را دریابد و آموزه‌های اساسی آن را فرا بگیرد.

نیز برای هر فراز منتخب، عنوانی متناسب با مفاهیم متن در نظر گرفته، و در
 ترجمه‌ی جملات و عبارات، کوشش بر آن بوده است که با رعایت امانت،
 ترجمه‌ای دقیق، رسا و گویا ارائه گردد؛ هرچند توجه به این حقیقت لازم است که
 ترجمه‌ی کلام‌های وحیانی - چندان که جامعیت پیام را از لفظ اصلی به لفظ ثانوی
 انتقال دهد - کاری بس دشوار و حتی ناشدنی است!

اینک چشم دل را به قطعاتی گزیده^۲ از خطبه‌ی فدکیّه حضرت صدیقه
 طاهره علیها السلام بگشای، و مشام جان را از رایحه‌ی دلپذیر کلام فاطمی عطرآگین ساز!

۱. اعیان الشیعة، ده جلد، جلد اول، ص ۳۱۵.

۲. در گزینش فقرات خطبه، از نسخه‌ی کتاب الإحتجاج تألیف عالم بزرگوار ابومنصور احمد بن علی
 بن ابی طالب طبرسی علیه السلام استفاده شده است. نیز مقدمه‌ی اثر حاضر، عمدتاً اقتباسی است از کتاب:
 پیامی از سرپرده‌ی غیب (انتشارات دلیل ما، قم ۱۳۸۸) همراه با مضامینی که بدان افزوده شده و
 مفاهیمی که محتوای آن را ارتقاء داده است؛

کلام ۱

ستایش خداوند متعال

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا أَنْعَمَ ، وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَىٰ مَا أَلْهَمَ ،
 وَالثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ ، مِنْ عُمومٍ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا ،
 وَسُبُوغِ الْإِلاءِ أَسَدَاهَا ، وَتَمَامِ مَنَنِ وَالْأَهَا ؛

ستایش برای خداست به پاس نعمت‌هایی که عطا فرمود،
 و سپاس نیز برای اوست نسبت به هرچه الهام نمود (و آموخت)،
 و تحیت زینده‌ی او، بدانچه پیشاپیش بخشیده است،
 از همه‌ی نعمت‌هایی که ابتدائاً عطا فرموده،
 و فراوانی هدایایی که (برای آفریدگان) فراهم ساخته،
 و نیکی‌هایی که پیایی روا داشته است؛

کلام ۲

وصف آفریدگار

الْمُمْتَنِعُ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيَتْهُ ، وَمِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتْهُ ،
وَمِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ ؛

خداوندی که دیدنش برای چشم‌ها، و وصف او برای زبان‌ها
و درک چگونگی‌اش برای عقل‌ها امکان‌پذیر نیست!

کلام ۳

آفرینش و پیدایش هستی

اِبْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَمْ يَكُنْ شَيْءٌ كَانَتْ قَبْلَهَا
 وَأَنْشَأَهَا بِلَا احْتِدَاءٍ أَمْثَلَةٍ أَمْثَلَهَا،
 كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ وَذَرَأَهَا بِمَشِيَّتِهِ ؛

خداوندی که آفریدگان را - در حالی که هیچ موجودی پیشتر از آن
 نبود - پدید آورد، و در این رهگذر از هیچ الگو و نمونه‌ای
 پیروی نکرد! به قدرت خویش آنان را به وجود آورد
 و به اراده خود بیافرید؛

کلام ۴

رسالت پیامبر اکرم ﷺ

وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ...
 ابْتَعَثَهُ اللَّهُ إِمَامًا لِأَمْرِهِ ، وَعَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ ،
 وَإِنْفِذَا لِمَقَادِيرِ حَتْمِهِ ؛

و گواهی می‌دهم که پدرم محمد (ﷺ) بنده و فرستاده‌ی اوست ...
 آری، او را برانگیخت تا امر خویش را به پایان ببرد،
 و اجرای فرمانش را قاطعاً تحقق بخشد،
 و همه‌ی آنچه را که به‌طور حتم تقدیر فرموده بود،
 به انجام رساند.

کلام ۵

ارمغان هدایت محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وَقَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ ، وَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ ،
وَبَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ ، وَهَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ ،
وَدَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ ؛

پدرم (محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) با (چراغ) هدایت در میان مردم بی‌خاست و
ایشان را از گمراهی رها ساخت و از پس کوری و نابینایی
بصیرتشان بخشید و به آیین استوار راهشان نمود،
و آنان را به راه راست فراخواند؛

کلام ۶

پیشوا و پیمان!

ثُمَّ التفتت ﷺ إلى أهل المجلس وقالت:

... زعيمُ حقٍّ له فيكم وعهدٌ قدمه إليكم

وبقيته استخلفها عليكم؛

دخت پیامبر (ﷺ) سپس به اهل مجلس توجّه نمود و فرمود:

... خدای را پیشوای حقی است که در میان شماست، و او را

(سفارش و) پیمانی است که پیشتر آن را به شما عرضه داشته،

و بازمانده (ویادگاری) است که آن را به (جانشینی)

و سرپرستی شما گمارده است؛

کلام ۷

وصف کتاب خدا

كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ، وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ،
 وَالنُّورُ السَّاطِعُ، وَالضِّيَاءُ اللَّامِعُ.
 بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُنْجَلِيَةٌ ظَوَاهِرُهُ؛

(مصدّق دیگر بازمانده‌ی خداوند) کتاب گویای خداست؛ همان
 قرآن راستگو، آن روشنای تابنده و آن پرتو درخشنده؛ کتابی که
 (دلایل و) حجت‌های آن، روشن است؛ پرده از رازهایش
 (نزد اهلش) برداشته شده و حقایق (آشکار)
 آن جلوه گراست.

کلام ۸

چرایی ایمان!

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرِّ؛

پس، خداوند ایمان (به وجود و یکتایی خود) را برای پاکسازی
شما از پلیدی شرک واجب فرمود؛^۱

۱. توجه! در همه ی قطعات کلام ۹ تا ۱۳، ترجمه عبارت: «جَعَلَ اللَّهُ» به معنای «واجب و مقترّر فرمود» باید افزوده شود تا مفهوم سخن، کامل گردد.

كلام ٩

راز نماز و زکات!

وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهَا لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ،
وَالزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَنَمَاءً فِي الرِّزْقِ؛

و (خداوند) نماز را برای پیراستنِ تان از تکبر (و خود بزرگ پنداری)،

و زکات را برای پاکیزگی جان و (رشد و) افزایش روزی

مقرر داشت؛

کلام ۱۰

امامت اهل البيت عليهم السلام و اطاعت از ایشان

وَ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ ،

وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ؛

و خداوند پیروی از ما (اهل بیت) را برای انتظام آیین،
و امامت و پیشوایی ما را برای حفظ از آفت پراکندگی و تفرقه
واجب فرمود؛

کلام ۱۱

ثمره‌ی نیکی به پدر و مادر و احسان به خویشان

وَبِرِّ الْوَالِدَيْنِ وِقَايَةً مِنَ السُّخْطِ ،

وَصِلَةِ الْأَرْحَامِ مَنْسَأَةً فِي الْعُمُرِ وَمَنْمَاءً لِلْعَدَدِ؛

و (خداوند) نیکی به پدر و مادر را سپربازدارنده از خشم (الهی)

و (احسان و) ارتباط با خویشان را برای طول عمر

و افزایش شمارِ نفرات، واجب ساخت؛

کلام ۱۲

هشدارها و پرهیزها !

وَتَوْفِيَةَ الْمَكَايِلِ وَالْمَوَازِينِ تَغْيِيرًا لِلْبَحْسِ ،
وَالنَّهْيَ عَن شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهًا عَنِ الرَّجْسِ ؛

و (خداوند) تمام نمودن پیمان‌ها و اندازه‌ها و پرهیز از کم‌فروشی) را

برای تغییر (خوی) کاستن حق مردم،

و نهی از شراب خواری را به منظور پالایش از پلیدی

مقرر نمود؛

کلام ۱۳

چرایی حُرمت شرک

وَحَرَّمَ اللَّهُ الشِّرْكَ إِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ.
 ﴿اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾
 وَأَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَ بِكُمْ بِهِ وَنَهَاكُمْ عَنْهُ؛

و (سرانجام خداوند) شرک را حرام فرمود تا مردم نسبت به پروردگاری او اخلاص ورزند. پس ﴿آن گونه که شایسته است، حَقِّ تَقَوای الهی را بجا آورید و جز بر آیین و منش اسلام نمرید﴾! و خداوند را در هر چه به شما فرمان داده یا از آن بازتان داشته است، پیروی کنید؛

کلام ۱۴

بدانید که من فاطمه ام !

إِعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَأَبِي مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ! أَقُولُهَا عَوْدًا وَبَدَاءً
وَلَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا وَلَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا؛

بدانید که من فاطمه ام و پدرم محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است .

آنچه را می گویم، آغاز و انجامش یکسان و هماهنگ است؛

و هر چه را می گویم نادرست و اشتباه نیست،

و آنچه را انجام می دهم، باطل و نابهنجار نباشد؛

کلام ۱۵

پیامبرِ مهرورز و مهربان (ﷺ)

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ
حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾؛

﴿به راستی که پیامبری از خودتان سوی شما آمد؛ آنچه شما را برنجانَد،

بر او ناگوار و دشوار است، و بسی خواهان (هدایت) شما

و نسبت به اهل ایمان، مهرورز و مهربان است﴾؛

کلام ۱۶

راه آورد رسالت ۱

فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ صَادِعاً بِالنَّذَارَةِ مَايْلًا عَنْ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ،
ضَارِباً تَبَجُّهْمَ، آخِذاً بِأَكْظَامِهِمْ،
دَاعِياً إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ ﴿بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾^۱؛

پس او (پیامبر اکرم ﷺ) رسالت الهی را به انجام رسانید،
آشکارا از عذاب خداوند بیم داد، از روش و شیوهی مشرکان
روی برتافت، کم‌ریکری شرک را (به ضربت توحید) شکست،
راه نفس آن را سخت فشرد،
مردم را با دانش و اندرز نیکوبه مسیر پروردگارش فراخواند؛

۱. الهام از آیهی ۱۲۵، سورهی نحل.

کلام ۱۷

ره آورد رسالت ۲

... حَتَّىٰ انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَوَلَّوْا الدُّبُرَ...

وَنَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ وَخَرِسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ
وَوَطَّاحَ وَشَيْظُ النِّفَاقِ وَانْحَلَّتْ عَقْدُ الْكُفْرِ وَالسَّقَاقِ
وَفُهِتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ؛

... تا آن که اجتماع (باطل) درهم شکست و (سران کفر و شرک)

از عرصه‌ی مصاف گریختند و قافله سالار دین گویا،

و یاوه‌گویی اهریمنان خاموش شد و فرومایگان منافق نابود شدند

و گره‌های کفر و تفرقه گشوده گردید، و شمایان همراه با گروهی از

سپیدرویان شکم تهی (زاهد) دهان به کلمه اخلاص باز کردید؛^۱

۱. ممکن است مقصود از تعبیر «البیض الخیماص» [سپیدرویان شکم تهی (و پارسا)] اهل بیت عصمت

و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ باشند.

کلام ۱۸

۳ رسالت آورد

فَأَنْقَذَكُمْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِمُحَمَّدٍ ﷺ

بَعْدَ اللَّتِيَّاتِي

وَبَعْدَ أَنْ مُنِيَ بِهِمُ الرِّجَالِ

وَذُؤْبَانِ الْعَرَبِ وَمَرْدَةِ أَهْلِ الْكِتَابِ؛

پس خداوندِ خجسته نام و بلند مرتبه شما را به پیامبر خویش
 محمد ﷺ رهایی بخشید، بعد از آن که حضرتش با محنت های
 بسیار رویارو گردید، و از دلاوران کفر و درنده خویان عرب و
 سرکشان اهل کتاب (و عمدتاً یهود) رنج فراوان دید!

کلام ۱۹

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام فاتح عرصه های نبرد

﴿كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ﴾

أَوْ نَجَّمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ أَوْ فَغَرَّتْ فَاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا

فَلَا يَنْكَفِي حَتَّى يَطَأَ جَنَاحَهَا بِأَخْمَصِهِ^۲ وَيُحْمِدَ لَهَا بِسَيْفِهِ.

(آری)، ﴿هرگاه آتش جنگ را برافروختند، خدای آن را خاموش ساخت﴾،

یا آن گاه که شاخ شیطان سر بر می آورد، یا اژدهای شرک دهان

می گشود، در این حال پدرم، برادرش (علی علیه السلام) را در کامشان

می افکند و او نیز از این کارزار باز نمی آمد تا آن که بال و پر (شوکت)

ایشان را لگدمال قدرت خویش سازد و شراره ی فتنه

را با شمشیر خود خاموش نماید؛

۱. سوره ی مائده، آیه ی ۶۴.

۲. «أخمص» به معنای گودی کف پا، و پامال کردن پرو بال به وسیله ی کف پا، کنایه از غلبه و چیرگی کامل است.

کلام ۲۰

وصف امام امیرمؤمنان علی علیه السلام

مَكَدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ،

قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ،

مُشِيرًا، نَاصِحًا، مُجَدِّدًا، كَادِحًا.

لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ؛

(و علی علیه السلام) هم او که در راه خدا پذیرای هر رنج و سختی بود، او که در اجرای فرمان خداوند بسیار کوشا، به رسول خدا بس نزدیک و در جمع اولیای خدا سالار و سرور بود. در راه خدا آستین همت بالا زده، خیرخواه، تلاشگر و هر رنجی را پذیرا بود؛ نیز سرزنش هیچ ملامتگری، او را از مجاهدت در راه خدا باز نمی داشت!

کلام ۲۱

رحلت پیامبر اکرم ﷺ و ظهور خط نفاق!

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَمَأْوَىٰ أَصْفِيَاءِهِ
ظَهَرَ فِيكُمْ حَسِيكَةُ النِّفَاقِ وَسَمَلُ جِلْبَابِ الدِّينِ
وَنَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ وَنَبَغَ خَامِلُ الْأَقْلِيْنَ؛

پس آن گاه که خداوند برای پیامبر خویش، سرای رسولان و جایگاه
ویژگان خود را برگزید، کینه‌های ناشی از نفاق در شما پدیدار
گشت و ردای دین فرسوده شد، و آن کس که از جمع گمراهان
سکوت گزیده بود به سخن آمد، و آن گمنام فرومایه نمایان گردید؛

کلام ۲۲

آغاز انحراف امت

وَأَطَاعَ الشَّيْطَانَ رَأْسَهُ مِنْ مَعْرِزِهِ، هَاتِفًا بِكُمْ،
 فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَاللِّغْرَةَ فِيهِ مُلَاحِظِينَ،
 ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا، وَأَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غَضَابًا
 فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ، وَأَوْرَدْتُمُوهَا غَيْرَ مَشْرِكِكُمْ؛

و شیطان از نهانگاه خویش سر برآورد، در حالی که نداتان
 می داد، و شما را چنان یافت که فراخوان او را پاسخ مثبت
 می گوید و به فریبش چشم قبول دارید! آن گاه شما را (به
 مخالفت حق) برانگیخت و دریافت که (به سویش) می شتابید
 و کوشید تا شعله ی کینه را در وجودتان برافروزد
 و دید که شعله ورید؛ پس داغ بر شتر دیگران نهادید،
 و آن را به آبشخوری که نه از آن شما بود درآوردید!

کلام ۲۳

شتاب سوی فتنه!

هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ وَالْكَأْمُرُ رَحِيبٌ
وَالْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ!
ابْتَدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ
﴿الْأَفِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾؛

این، درحالی بود که از پیمانتان روزگاری نگذشته و زخم ارتحال

پیامبر (ﷺ) هنوز فراگیر بود، و جراحت آن التیام نیافته

و پیکر رسول خدا (ﷺ) به خاک سپرده نشده بود!

شتابتان به بهانه‌ی آن بود که مبدا به فتنه گرفتار آید!

بدانند که در چاه فتنه فرو افتاده‌اند و البته دوزخ، دربرگیرنده‌ی

ناسپاسان است.﴾

کلام ۲۴

أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْغُونَ؟!

وَأَنْتُمْ وَالْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا!

﴿أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْغُونَ؟! وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾

؛

و اینک شما چنان می‌پندارید که ما را (از پیامبر خدا ﷺ) ارثی نیست؟!

﴿آیا داوری روزگار جاهلیت را طلب می‌کنید؟! و (به‌راستی) برای اهل یقین

کدامین داوری از حکم خداوند بهتر است؟!﴾؛

کلام ۲۵

ای زاده‌ی ابوقحافه! ...

يَا بَنَ أَبِي قُحَافَةَ!

أَفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَلَا أَرِثَ أَبِي؟!

﴿لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا﴾؛

ای فرزند ابوقحافه!

آیا در کتاب خدا چنین آمده که تو از پدرت ارث ببری

و من از پدرم ارث نبرم؟!

﴿به راستی چه رفتار زشت و ادعای بی پایه‌ای آورده‌ای!﴾؛

کلام ۲۶

چگونه کتاب خدا را وا نهاده‌اید؟!

أَفَعَلِيَٰ عَمَدٍ تَّرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ

وَ ﴿ نَبَذْتُمْهُ وَّرَاءَ ظُهُورِكُمْ ﴾ ...

وَزَعَمْتُمْ أَن لَّا حِطَّةَ لِي

وَلَا إِرْثَ مِنِّي وَلَا رَحْمَ بَيْنِنَا!!

آیا با قصد و عمد کتاب خدا را وا گذاشته

و ﴿ آن را پشت سرتان افکنده‌اید ﴾ ...؟

و پنداشته‌اید که نه منزلتی است برای من، و نه مرا ارثی است از پدرم!

و گویی که میان من و او پیوندی نبوده است!

کلام ۲۷

آیا خود را از رسول خدا ﷺ ... دانایم دانید؟!

أَفَخَصَّكُمُ اللَّهُ بِآيَةٍ أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟! ...

أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَعُمُومِهِ

مِنْ أَبِي وَابْنِ عَمِّي؟!

آیا خداوند شما را به آیه‌ای (از قرآن) مخصوص داشته

و پدرم را از شمول حکم آن بیرون نهاده است؟! ...

یا شما به (احکام) خاص و عام قرآن

از پدرم و پسرعمویم (امیرمؤمنان علی علیه السلام) آگاه‌ترید؟!

کلام ۲۸

شتر خلافت، ارزانیات باد!

فَدُونَكَا مَخْطُومَةً مَرْحُولَةً!

تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ؛

فَنِعَمَ الْحَكْمِ اللَّهُ

وَالزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ (ﷺ) وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ!

وَعِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَدْمُونَ؛

اینک (این شتر) خلافت، افسارزده، محمل نهاده، ارزانیات باد!

تا روز رستاخیز (به سراغت آید) و دیدارت کند!

پس به راستی خداوند چه نیکوداوری است،

و محمد (ﷺ) چه نیکوراهبری، و قیامت چه نیکو وعده گاهی!

و در آن هنگام، اهل باطل زیان بینند و پشیمانی سودتان نبخشد؛

کلام ۲۹

بانگ بیدار باش!

يَا مَعْشَرَ النَّقِيْبَةِ وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ وَحِصْنَةَ الْإِسْلَامِ!
 مَا هَذِهِ الْغَمِيْزَةُ فِي حَقِّي وَالسِّنَّةُ عَن ظُلَامَتِي؟!^۱

ای گروه سران و بازوان دین و باروهای اسلام!

این چه سستی است که نسبت به (پامال) حق من بدان دچار شده‌اید،

یا چه ناهشیاری است که در خصوص ستم بر من،

شما را فراگرفته است؟!

۱. بارو: دژ، قلعه. مخاطب این فقره از کلام، جماعت انصار بوده که اقدامات ارزشمندی در یاری اسلام و پیامبر اکرم ﷺ داشته‌اند.

کلام ۳۰

یاوران دین! شما را چه شده است؟!

أَيُّهَا بَنِي قَيْلَةَ!

أَأَهَضُمُ تَرَاثَ أَبِي وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى مِني وَمَسْمَعٍ وَمُنْتَدَى وَمَجْمَعٍ؟!

تَلَبَّسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَتَشْمَلُكُمْ الْحَبْرَةُ ...

تُوَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ؟! وَتَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُغِيثُونَ؟!

ای فرزندان قیله! آیا سزاوار است نسبت به میراث پدرم، مورد ستم (وتاراج) قرار

بگیرم؟! در حالی که شما در منظر من هستید و سخنم را می شنوید؛

نیز مجلس اجتماع و پایگاه قدرت دارید. ندایم را (به تمامی) دریافته

و از آن آگاه شده اید...

پس چیست که دعوت من به شما می رسد و پاسخ نمی گوئید؟

و فریاد دادخواهی ام را می شنوید و یاری نمی کنید؟!

کلام ۳۱

آسفا بر این احوال!

فَأَنَّى حِرَّتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ وَأَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ
وَنَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ!؟

اینک چگونه است که بعد از روشن شدن حَقِّ (به باطل) بازگشته

و پس از آشکاری حقیقت، آن را پنهان داشته

و بعد از پیشروی، عقب نشینی کرده،

و از پس پذیرش ایمان، به شرک گراییده‌اید!؟

کلام ۳۲

رفاه طلبی، آفت بزرگ!

أَلَا وَقَدْ أَرَىٰ أَنْ قَدْ أَخَلَدْتُمْ إِلَى الْخَفِضِ

وَأَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ ...

﴿إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾^۱؛

آگاه باشید! به خدا سوگند،

می بینم که به رفاه و آسایش، گرایش و رغبت یافته و کسی را که به اداره

و تدبیر امور، از همگان سزاوارتر است، از منصب زمامداری دور کرده اید ...

پس ﴿اگر شما و همه‌ی اهل زمین کفر بورزید، البته خداوند بی نیاز ستوده است﴾؛

۱. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۸.

کلام ۳۳

از بیان حقیقت، ناگزیر بوده‌ام؛

أَلَا! وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ

عَلَى مَعْرِفَةِ مَنِّي بِالْخَذَلَةِ الَّتِي خَامَرْتَكُمْ

وَالْغَدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتُهَا قُلُوبُكُمْ

وَالْكِنَّهَا فَيَضُّهُ النَّفْسُ وَنَفَثُ الْغَيْظِ

وَخَوْرُ الْقَنَا وَبَثَّةُ الصَّدْرِ وَتَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ؛

آگاه باشید! که من گفتم آنچه را که گفتم!

با وجود شناخت کامل به سستی و فتوری که با شما آمیخته،

و لباس مکروبی و فایبی که دلها تان پوشیده است؛ اما گفتارم لبریز غم جان،

و برون افکنی خشم درون، و نشانه‌ی کاهش صبر، و افشای راز درون سینه،

و به انگیزه‌ی اتمام حجّت بود؛

کلام ۳۴

این مَرکب، راهوار نیست!

فَدُوْزَكُمُوهَا فَاحْتَقِبُوْهَا

دَبْرَةَ الظَّهْرِ نَقِبَةَ الْخُفِّ بَاقِيَةَ الْعَارِ،
مَوْسُومَةً بِنِعْضِ الْجَبَّارِ وَشَارِ الْأَبَدِ،
مَوْصُولَةً بِ«نَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ»^۱!

اینک این شما و این مَرکب خلافت! آن را جهاز و آماده‌ی سواری کنید،

(اما بدانید که) پشت آن مجروح، پایش فرسوده (و ناتوان)

و رسوایی (سواری آن) پایدار است؛

داغ ننگ ابدی و خشم خدای جبار بر آن نهاده شده،

و به «آتش افروخته‌ی خدا» پیوند یافته است!

۱. اقتباس از آیه‌ی ۶، سوره‌ی همزه؛

کلام ۳۵

چشم انتظار فرجام کار خود باشید!

وَ أَنَا ابْنَةٌ ﴿نَذِيرٌ لِّكُمْ بَيْنَ يَدَيِ عَذَابٍ شَدِيدٍ﴾^۱،

﴿اعْلَمُوا إِنَّا عَامِلُونَ وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾^۲!

و من دختر ﴿آن پیامبر بیدرنده‌ای هستم که شما را از کیفری

سخت که پیش رویتان است آگاه ساخته﴾؛

پس ﴿شما اقدام کنید، ما نیز اقدام می‌کنیم،

و شما ثمره‌ی کردار خود را انتظار ببرید، ما نیز﴾!

۱. اقتباس از قسمتی از آیه‌ی ۴۶، سوره‌ی سبأ؛

۲. سوره‌ی هود، آیات ۱۲۲ و ۱۲۳.

کلام ۳۶

عذر بدتر از گناه!

فَأَجَابَهَا أَبُو بَكْرٍ... وَقَالَ: ... أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ:
 «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ أَزْهَابًا وَلَا فِصَّةً وَلَا دَارًا وَلَا عَقَارًا
 وَإِنَّمَا نُورِثُ الْكُتُبَ وَالْحِكْمَةَ وَالْعِلْمَ وَالنُّبُوَّةَ
 وَمَا كَانَ لَنَا مِنْ طُعْمَةٍ، فَلَوْلِي الْأَمْرَ بَعْدَنَا أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ...
 فَهَلْ تَرِينَ أَنْ أُخَالِفَ فِي ذَلِكَ أَبَاكَ؟!»

۱. این سخن - که به پیامبر اکرم ﷺ نسبت داده شده - خلاف واقع است و رسول خدا ﷺ چنین کلامی نفرموده اند! نیز با آیات قرآن در موضوع ارث، ناسازگار است و حضرت صدیقه ع در خطبه‌ی خویش، تعارض آن را با آیات کریمه‌ی قرآن نشان داده‌اند؛

ابوبکر در برابر سخنان حضرت زهرا - سلام خداوند بر آن بانو - به آن گرامی پاسخ داد: ...

از رسول خدا (ﷺ) شنیدم که می فرمود:

ما طایفه‌ی پیامبران، طلا و نقره و خانه و زمین به ارث برجا نمی گذاریم،

و جزاین نیست که ما کتاب‌های آسمانی و دانش و علم

و پیامبری را به ارث می نهیم، و چنانچه مالی از ما بجا ماند،

برای کسی است که پس از ما، ولایتِ امر را برعهده دارد،

تا به رأی خویش نسبت به آن فرمان دهد...

اینک آیا براین باوری که من در این خصوص، با پدرت مخالفت کنم؟!

کلام ۳۷

مطابقت گفتار و رفتار پیامبر اکرم ﷺ با آیات کریمه‌ی قرآن

فَقَالَتْ ﷺ:

سُبْحَانَ اللَّهِ! مَا كَانَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقًا
وَلَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالِفًا
بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ آثَرَهُ وَيَقْفُو سُورَهُ؛

پس آن حضرت ﷺ فرمود:

خداوند از هر نسبت ناروایی منزّه و مبرّاست!

(شگفتا!) پدرم رسول خدا ﷺ هرگز از کتاب خدا روگردان نبود،

و با دستورهای آن مخالفت نمی نمود، بلکه از آن پیروی می فرمود

و در پی (آیات) و سوره‌های قرآن راه می سپرد؛

کلام ۳۸

زشتی‌ها را زیبا دیده‌اید!

هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حَكَمًا عَدْلًا وَنَاطِقًا فَصَلًا؛

يَقُولُ: ﴿يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ﴾ وَيَقُولُ: ﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ﴾؛^۱

... كَلَّا! ﴿بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ

وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ﴾؛^۲

این کتاب خداست، داوری دادگر، و گوینده‌ای که کلامش حکم قطعی است؛

قرآن (از زبان پیامبری از پیامبران) می‌گوید: ﴿... تا فرزندم از من و از خاندان یعقوب

ارث ببرد﴾، و نیز می‌فرماید: ﴿وسلیمان از داود ارث بُرد﴾؛

... نه، چنان نیست! ﴿بلکه نفس شما خواسته‌ای زشت را برایتان زیبا جلوه

داده است، و من (در برابر این ستم) صبری نیکو پیشه می‌سازم و از خداوند

براین وصف (و حکم) ناروایتان یاری می‌جویم﴾؛

۱. سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۶.

۲. سوره‌ی نمل، آیه‌ی ۱۶.

۳. سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۱۸.

کلام ۳۹

آیا در قرآن، تدبّر نمی‌کنند؟!

فَالْتَمَتَتْ فَأَطْمَأَنتُ إِلَى النَّاسِ وَقَالَتْ:

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ!

الْمُسْرِعَةَ إِلَى قِيلِ الْبَاطِلِ،

الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ!

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾؟!!

سپس حضرت فاطمه رضی الله عنها حاضران در مسجد را مخاطب ساخت و فرمود:

ای گروه مسلمانان که به سخن باطل شتافته،

و بر رفتار زشت زیانبار، دیده فرو بسته‌اید!

﴿آیا در آیات قرآن اندیشه نمی‌کنند؟ یا مگر بر دل‌ها، قفل‌ها نهاده شده است﴾؟!!

کلام ۴۰

زنگار دل، زمینه‌ساز غفلت!

﴿كَلَّابِلُ زَانَ عَلَى قُلُوبٍ﴾^۱ كُمْ مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ،

﴿فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَأَبْصَارِكُمْ﴾^۲

وَلَبِئْسَ مَا تَأْوَلَّتُمْ وَسَاءَ مَا بِهِ أَشْرْتُمْ وَشَرَّ مَا مِنْهُ اعْتَصَمْتُمْ!

نه، چنان نیست! ﴿بلکه کردارهای ناشایست و تباهتان، بردلهاتان زنگارزده﴾،

و ﴿گوش و چشمتان را (حجاب غفلت) گرفته است﴾!

و راستی که به چه توجیه ناصوابی روی آورده، و چه رهنمود نادرستی

ارائه کرده، و چه عوض و جایگزین بدی را ستانده‌اید!

۱. قسمتی از آیه‌ی ۱۴، سوره‌ی مطففین.

۲. اقتباس از آیه‌ی ۴۶، سوره‌ی انعام.

کلام ٤١

فرجام تیره!

لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ! مَحْمِلَهُ ثَقِيلاً وَغَبَّهُ وَبِيلاً
 إِذَا كَشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ وَبَانَ مَا وَرَاءَهُ الصَّرَاءُ
 ﴿وَبَدَلَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ﴾؛

به خدا سوگند، به زودی باری را که بردوش گرفته‌اید سنگین،
 و سرانجام کردار خود را سخت خواهید یافت؛ آن‌گاه که پرده (از چهره‌ی
 حقیقت) برایتان برگرفته شود، و آن سیه‌روزی که در پس آن نهفته، رخ نماید
 ﴿و آنچه را که نمی‌پنداشتید، از جانب پروردگارتان برایتان آشکار گردد﴾؛